

واکنش نوکلئوفیلی کاتالیست کامپوزیتی نانوذرات منگنز دی اکسید/زنولیت X₁₃ برای جذب و تخریب شبه عوامل خردلی و عصبی ۲-کلرو اتیل اتیل سولفید و دی متیل متیل فسفونات

سیدلطف‌اله شریفی آل‌هاشم، هادی صادقی، اکبر میرزایی؛
دانشگاه جامع امام حسین(ع)، گروه شیمی، تهران

چکیده

در این تحقیق، نانو ذرات منگنز دی اکسید در منافذ زنولیت 13X به روش نشانیدن سنتز شده و مورفولوژی و ساختار آن با تکنیک‌های IR، XRD، SEM و AAS بررسی شد. واکنش خنثی‌سازی شبه عامل خردلی ۲-کلرو اتیل اتیل سولفید (۲-CEES) با کامپوزیت نانوذرات منگنز دی اکسید/زنولیت X₁₃^۱ با دستگاه GC بررسی شد. نتایج آنالیز GC نشان داد که شبه عامل ۲-CEES پس از گذشت ۱۶۸ ساعت در تماس با کامپوزیت نانوذرات منگنز دی اکسید/زنولیت X₁₃ جذب و به طور کامل به محصولات شیمیایی با درجه سمیت کمتر تبدیل شد. محصولات تخریب هیدرولیزی هیدروکسی اتیل اتیل سولفید و اتیل وینیل سولفید با دستگاه GC-MS شناسایی شدند. واکنش تخریب شبه عامل عصبی DMMP با آنالیز ³¹P NMR نشان داد که این کامپوزیت بعد از ۳۶ ساعت حدود ۳۲ درصد شبه عامل را تخریب کرد.

مقدمه

در جنگ جهانی اول هنگامی که از اثرات گاز خردل- عاملی تاول‌زا- آلودگی رفع شد رخداد امری مهم علمی-نظامی ثبت شد. نخستین ترکیب رفع آلودگی‌کننده^۲ (STB) بود که در ۱۹۱۷ استفاده شد. این ترکیب مخلوطی از ۹۳٪ کلسیم هیپوکلریت و ۷٪ سدیم هیدروکسید است که به راحتی در محیط پخش شده و از بلیچ^۳ بسیار پایدارتر است. گاز خردل با این ترکیب واکنش داده و در نتیجه سولفید به سولفوکساید و سولفون با سمیت کم تر تبدیل گشته و ترکیباتی نظیر O₂S(CHCH₂)₂ نیز تشکیل می‌شود، اما از آن‌جاکه برای رفع آلودگی، به مقدار زیادی از این ترکیب نیاز است و همچنین این ترکیب به محیط زیست آسیب می‌رساند به همین سبب، این ماده به تدریج با عامل دیگری به نام محلول دکانتامینانت^۴ جای‌گزین شد. برای نخستین بار DS₂ در ۱۹۶۰ برای این منظور استفاده شد و اجزای تشکیل دهنده آن عبارتند از: ۷۰٪ دی اتیلن تری آمین، ۲۸٪ اتیلن گلیکول مونومتیل اتر و ۲٪ سدیم هیدرواکسید است جزء واکنش‌گر در این ترکیب CH₂OCH₂CH₂O است. به دلیل واکنش پذیری فوق العاده DS₂ با رنگ‌ها، پلاستیک‌ها و مواد چرمی حداکثر زمان تماس با DS₂، ۳۰ دقیقه است. واژه‌های کلیدی: Nano-MnO₂/Zeolite 13X، نانو ذرات منگنز دی اکسید، ۲-کلرو اتیل اتیل سولفید، دی متیل متیل فسفونات، خنثی‌سازی.

پنیرش ۹۲/۸/۴

دریافت ۹۱/۹/۲۰

slsharifi@yahoo.com

نویسنده مسئول

۱. Nano-MnO₂/Zeolite 13X

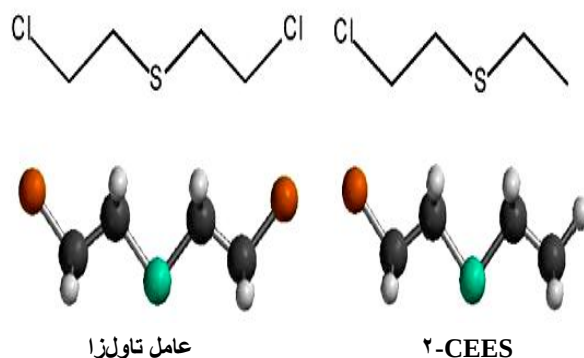
۲. Super tropical bleach

۳. Bleach

۴. Decontaminant solution

در هنگام استفاده از آن باید از ماسک، دستکش، عینک و پوشش‌های مقاوم استفاده کرد. حساسیت کار با این ماده و زیست تخریب‌پذیر بودن آن محققان را به دنبال جای‌گزینی مناسب برای این ماده تشویق کرد. از دیگر محلول‌های شیمیایی استفاده شده در رفع آلودگی عوامل شیمیایی، میکروامولسیون‌های پراکسید است. این محلول دوست‌دار محیط‌زیست است و خورنده و سمی نیست. و شامل ۲/۴ میلی‌گرم K_2MnO_4 ، ۲۱۴ میلی‌گرم سورفاکتانت تریتون^۱ x-۱۰۰، ۴۳۲ گرم i-PrOH و ۲۹۵ گرم ۵۰٪ H_2O_2 است که به مواد شیمیایی سبز معروف هستند. در هنگام استفاده از میکروامولسیون پراکسید، HD به محصول غیرتاول‌زا سولفوکسید (HDO) اکسید می‌شود. اما، اکسایش بیش‌تر سولفوکسید به تشکیل محصول تاول‌زا سولفون (HDO_2) منجر می‌شود. نیمه‌عمر گزارش شده برای واکنش اکسایش $HD \rightarrow HDO$ در مایکروامولسیون پراکسید در دمای اتاق، ۳۲ ثانیه و در دمای $30^\circ C$ ، ۵/۷ دقیقه گزارش شده است [۱]. این در حالی است که نقطه انجماد برای HD، در حدود $14^\circ C$ است. نیمه‌عمر $HDO \rightarrow HDO_2$ نیز در دمای اتاق ۹۶/۵ دقیقه است، که به مراتب کندتر از اکسایش اولیه HD است. روش‌های دیگری که در ۱۰ سال اخیر توسعه یافته‌اند شامل استفاده از مواد جامد، الک مولکولی زنولیتی و نانوذرات اکسید فلزی است [۲]، [۳]، [۴]، [۵]، [۶]، [۷]، [۸]، [۹]، [۱۰]. این مواد نه تنها قابلیت خنثی‌سازی مواد صنعتی سمی را دارند، بلکه آزمایش‌های مختلف حاکی از قابلیت فوق‌العاده آن‌ها در تخریب عوامل شیمیایی جنگی شامل عوامل دسته H، V و G از طریق واکنش هیدرولیز و دهیدروژناسیون هستند [۱]، [۱۱]، [۱۲].

برای بررسی و مطالعه واکنش سیستم‌های واکنش‌دهنده با عوامل شیمیایی جنگی، معمول است که به‌جای این عوامل از شبیه‌ساز آزمایشگاهی (شبه عامل) آن‌ها که کم‌خطرتر از عوامل شیمیایی هستند، استفاده شود. مولکول ۲-کلرواتیل اتیل سولفید (۲-CEES) با یک اتم کلر کمتر سمیت کمتری دارد و ساختار شیمیایی مشابهی با عامل خردلی HD دارد (شکل ۱).

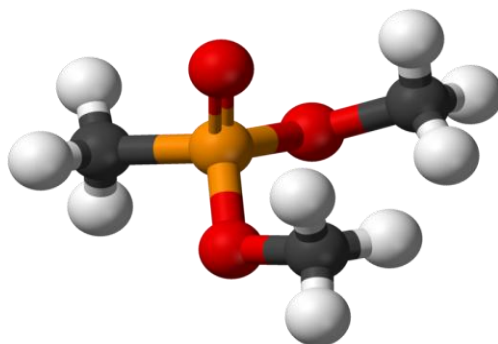


شکل ۱. ساختار مولکولی عامل تاول‌زا و شبه عامل ۲-CEES

زوایای پیچشی $C-C-S-Cl$ و $C-C-S-C$ برای مولکول ۲-کلرواتیل اتیل سولفید (۲-CEES) به‌ترتیب ۱۷۷/۳۸- و ۸۳/۱۷ درجه است. به‌طور مشابه، زوایای پیچشی مربوط در عامل تاول‌زا ۱۷۹/۹ و ۸۲/۲ درجه‌اند

۱. Triton

بنا بر این انتظار می رود که ۲-CEES شبیه ساز بسیار مناسبی از واکنش پذیری عامل تاولزا باشد. بررسی واکنش تخریب عوامل شیمیایی با تکنیک های NMR حالت جامد، GC و GC-MS انجام می گیرد [۳]. مولکول دی متیل متیل فسفونات (DMMP) به عنوان شبه عامل عصبی به شمار آمده و ساختار آن مانند شکل ۲ است [۱۳].



شکل ۲. ساختار مولکولی شبه عامل DMMP

در این تحقیق سعی شده است که برای اولین بار از کامپوزیت نانوذرات منگنز دی اکسید/زنولیت X به عنوان جاذبی قوی برای رفع آلودگی شبه عوامل خردلی و عصبی ۲-کلرواتیل اتیل سولفید و دی متیل متیل فسفونات استفاده شود.

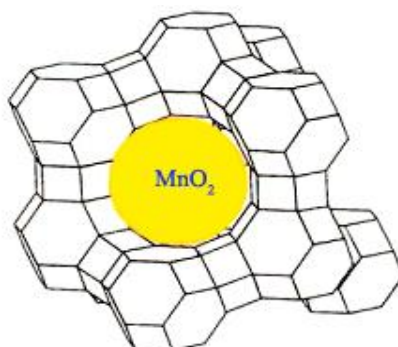
۱. زنولیت

زنولیت ها ترکیبات معدنی با خلل و فرج زیاد هستند که در تمام ساختارهای آن ها، قفس بتا به صورت یک چند وجهی ساختمان اصلی زنولیت را تشکیل می دهند. از اتصال این قفس های بتا که به آن ها قفس های سودالیت نیز می گویند، زنولیت های فوجاسیت، زنولیت A و سودالیت تشکیل می شوند. به عنوان مثال از اتصال صفحات شش ضلعی قفس های بتا با منشور هایی با قاعده شش ضلعی، ساختمان فوجاسیت (X,Y) به دست می آید [۱۴]. ساختار زنولیت X,Y شبیه هم است و تفاوت آن ها در نسبت سیلیسیم به آلومینیم (Si/Al) است. در زنولیت X این نسبت بین ۱ تا ۱/۵ و در زنولیت Y این نسبت بین ۱/۵ تا ۳ است. فوجاسیت یا زنولیت نوع-X از مهم ترین زنولیت ها است. این زنولیت از دو قسمت قفس کوچک بتا و سوپر قفس آلفا تشکیل شده است. قطر منافذ آن بیش تر از ۷/۴ آنگستروم و حلقه ۱۲ عضوی اکسیژن دارد. از طرفی حجم کسری ۴۸ درصد با نسبت سیلیسیم به آلومینیم حدود ۱/۴۸ دارد و در دمای ۷۸۶ درجه سانتی گراد، آب موجود در منافذ خود را از دست می دهد (شکل ۳) [۱۵].

۲. خواص کاتالیزوری زنولیت ها

در ۶۰ سال اخیر، تحقیقات وسیعی در مراکز تحقیقاتی شرکت های بزرگی چون یونیون کارباید و موبیل در مورد کاربرد کاتالیزوری زنولیت ها، انجام شده است. نخستین بررسی هایی که در این زمینه صورت گرفت، بر روی زنولیت های X و Y بوده است. در سال ۱۹۵۹ نخستین بار محققان شرکت یونیون کارباید، زنولیت Y را به عنوان کاتالیزور زنولیت ها و در سال ۱۹۶۲ پلانکو روزنسی برای کراکینگ سوخت های مایع با استفاده از

زنولیت X به‌کار گرفته شد. حاصل این عمل، افزایش محصولات به‌دست آمده در مقایسه با کاتالیزورهای آلومینوسیلیکای استفاده شده به‌وسیله وایز است. زنولیت‌ها به‌دلیل داشتن خواص ویژه نسبت به سایر کاتالیزورها، برتری دارند. از جمله این خواص، می‌توان به داشتن سطح وسیع، ساختار منظم بلوری، پایداری ساختاری در شرایط حاد دما و فشار، تعدد مراکز فعال، قدرت جاذب قوی و خاصیت تبادل یونی اشاره کرد. زنولیت‌ها کانال‌ها و حفره‌های باریکی دارند که عمل جذب در این حفره‌ها و کانال‌ها از پتانسیل زیادی برخوردار است. بنا بر این، زمان توقف مولکول‌های جذب شده در سطح زنولیت‌ها، طولانی است و در نتیجه انجام واکنش در بعضی مراکز بیش‌تر می‌شود. در واکنش‌هایی که نیاز به مراکز اسیدی قوی دارند، این کاتالیزورها به‌دلیل داشتن مراکز با قدرت اسیدی قوی، نسبت به کاتالیزورهای بی‌شکل ترجیح داده می‌شوند. همچنین در واکنش‌هایی که کاتیون‌ها به‌عنوان مراکز فعال عمل می‌کنند، زنولیت‌ها به‌دلیل داشتن خاصیت تبادل یونی، نسبت به کاتالیزورهای معمولی مناسب‌ترند. از دیگر ویژگی‌های مهم کاتالیزورهای زنولیتی، خاصیت غربال مولکولی آن‌ها است. این ویژگی اجازه می‌دهد فقط مولکول‌هایی تبدیل به کاتالیزور گردند که بتوانند به‌داخل حفره‌های زنولیتی وارد شوند. از آن‌جاکه واکنش‌های کاتالیزوری در درون منافذ زنولیت‌ها انجام می‌شوند، محدودیتی‌هایی از لحاظ اندازه روی واکنش دهنده‌ها، محصولات و حالت‌های گذر، گزینش‌پذیری شکل را تضمین می‌کند. یکی از روش‌های کارایی زنولیت نشان دادن اکسید فلزات در ساختار آن‌ها است. برای این کار از اکسید منگنز استفاده شد (شکل ۳) [۱۶].



شکل ۳. سنتز نانوذرات منگنز دی اکسید در منافذ ساختار زنولیت نوع-X

بخش تجربی

۱. مواد شیمیایی و دستگاه‌ها

مواد شیمیایی به‌کار رفته عبارتند از: زنولیت نوع X خریداری شده از شرکت مرک آلمان، منگنز نیترات شش‌آبه^۱ با درجه خلوص AR از شرکت لوباشیمی^۲ کشور هندوستان، شبه عامل ۲-کلرو اتیل اتیل سولفید با درجه خلوص ۹۸ درصد از شرکت آلفاایسر^۳، دی‌متیل متیل فسفونات با درصد خلوص ۹۸٪ از شرکت فلوکا^۴ و اسید فسفریک با درصد خلوص ۸۵٪ از شرکت مرک، حلال هپتان و تولوئن با خلوص ۹۸ درصد از شرکت مرک آلمان تهیه شد.

۱. $\text{Mn}(\text{NO}_3)_2 \cdot 6\text{H}_2\text{O}$

۲. Loba Chimie

۳. Alfa Aesar

۴. Fluka

دستگاه‌های استفاده شده عبارتند از: دستگاه SEM مدل ۷۳۵۳ (LEO ۱۴۵۵) که با بزرگنمایی ۱۰۰۰۰ برای تصویربرداری به‌کار گرفته شد. دستگاه FTIR، IR مدل اسپکتروم^۱ ۱۰۰ ساخت شرکت پرکین المر^۲ برای بررسی ساختارهای زنولیت و کامپوزیت و XRD مدل شیفرت^۳ ۳۰۰۳ TT که منبع نور X-ray استفاده شده در آن تفنگ نشرکننده Cu α و عمل خواندن در زاویه ۹۰-۴ درجه است، استفاده شدند. طیف‌سنج جذب اتمی (AAS) ساخت شرکت پرکین المر با سوخت استیلن و لامپ کاتد توخالی (HCL) عنصر منگنز و سیستم هیدرید پروگرامر^۴ HGA ۴۰۰ برای تعیین مقدار درصد عنصر منگنز در کامپوزیت به‌کار گرفته شد. از دستگاه GC ساخت شرکت واریان استار^۵ CX ۳۴۰۰ مجهز به دتکتور FID و ستون پرشده ۱/۸ in $\times$ ۲ m ۸۰/۱۰۰ CW HP ۱۰۱-OV برای بررسی واکنش خنثی‌سازی ۲-کلرو اتیل اتیل سولفید با کامپوزیت استفاده شد. دمای تزریق و دمای دتکتور 230°C ، دمای ثابت اولیه 60°C برای ستون به مدت ۴ دقیقه، تغییر دما از ۶۰ به 220°C با شیب $20^{\circ}\text{C}/\text{min}$ و ثابت ماندن دما در 220°C برای ۱۳ دقیقه بود. برای شناسایی محصول حاصل از تخریب شبه عامل ۲-کلرواتیل اتیل سولفید از دستگاه GC-MS ساخت شرکت واریان استار ۳۴۰۰ CX با منبع یونش الکترونی و ستون موئین $0.25\text{mm} \times 30\text{m} \times 1.01\text{mic}$ ، DB ۵MS و جریان هلیوم با سرعت ۱۰ ml/min استفاده شد. دستگاه NMR مدل بروکر^۶ (۲۵۰ MHz) برای بررسی واکنش جذب شبه عامل دی متیل متیل فسفونات به وسیله کامپوزیت و دستگاه سانتریفیوژ مدل CAT.NO. ۱۰۰۴ ساخت شرکت یونیورسال^۷ برای عمل جداسازی در واکنش رفع آلودگی دی متیل متیل فسفونات استفاده شد.

۲. تهیه نانوذرات منگنز دی اکسید نشانده شده در منافذ زنولیت نوع-X

برای تهیه کامپوزیت Nano-MnO_۲/Zeolite 13X ۰/۴۵۶ گرم از نیترات آبدار منگنز به فرمول مولکولی Mn(NO_۳)_۲·۶H_۲O را در ۱۰ میلی لیتر آب مقطر حل کرده و به ۵ گرم زنولیت X اضافه می‌شود. سپس مخلوط به مدت ۲ الی ۳ ساعت به‌طور ملایم با همزن مغناطیسی هم زده شد (برای مطمئن شدن بهتر است که زمان ۴ تا ۵ ساعت افزایش یابد). بعد از این مدت محصول را با آب دیونیزه شسته و به مدت ۲۴ ساعت در دمای ۱۰۰ درجه سانتی‌گراد قرار داده تا خشک شود. در آخر محصول را در دمای ۵۰۰ درجه سانتی‌گراد قرار گرفت تا کلسینه شود [۱۷].

۳. فرآیند رفع آلودگی شبه عامل ۲- کلرو اتیل اتیل سولفید با کامپوزیت Nano-MnO_۲/Zeolite 13X

ابتدا ۱۰۰ میلی گرم (۰/۱ گرم) از کامپوزیت Nano-MnO_۲/13X را در بالن ۲۵ میلی لیتری ریخته و سپس مقدار ۱۰ میکرو لیتر شبه عامل خردلی CEES-۱۰،۲ میکرو لیتر تولوئن و ۵ میلی لیتر حلال هپتان به آن اضافه شد و مخلوط حاصل به شدت هم زده شد. سپس در زمان‌های مختلف با میکروسرنگ مقدار ۱ میکرو لیتر از محلول استخراج و به دستگاه GC تزریق شد.

۱. Spectrum	۲. Perkin Elmer	۳. Sheifert	۴. Programmer	۵. Varian Star
۶. Bruker	۷. Universal			

۴. تخریب شبه عامل (DMMP) با کامپوزیت $\text{Nano-MnO}_2/13\text{X}$

ابتدا مقدار ۱۰ میلی‌لیتر دی‌متیل متیل فسفونات ۰/۰۳ مولار را با حلال هپتان به حجم رسانده و درون ارلن ریخته و با مگنت با سرعت ۵۰۰ rpm هم‌زده می‌شود. مقدار ۰/۴۸ گرم از کامپوزیت مورد نظر را به محلول اضافه کرده و درب آن محکم می‌شود تا از تبخیر آن جلوگیری شود. در زمان‌های مختلف با سرنگی میلی‌لیتری به اندازه یک میلی‌لیتر از محلول جدا کرده و درون لوله سانتریفیوژ می‌ریزیم. با سرعت ۵۰۰ rpm به مدت ۵ دقیقه عمل جداسازی انجام می‌شود. سپس مقداری از محلول تهیه شده را درون لوله NMR ریخته و لوله موئین که محتوی آن اسید فسفریک ۰/۰۳ مولار است را درون لوله NMR قرار می‌دهیم و به آن کلروفرم دوتره اضافه می‌کنیم و آن را به حجم ۰/۴ میلی‌لیتر رسانده و طیف $^3\text{P NMR}$ آن گرفته می‌شود.

۵. آماده‌سازی نمونه برای تعیین میزان درصد عنصر منگنز در کامپوزیت سنتز شده با

دستگاه طیف‌سنج جذب اتمی (AAS)

در این مرحله برای آماده‌سازی نمونه، مقدار ۰/۲۴۵ گرم از کامپوزیت را وزن کرده و در کروزه پلاتینی می‌ریزیم. سپس ظرف به مدت ۲ ساعت در دمای ۸۰۰ درجه سانتی‌گراد حرارت می‌دهیم. به نمونه سرد شده ۰/۹ گرم از مخلوط مذاب پتاسیم کربنات و لیتیم تترابورات با نسبت وزنی (۲:۱) اضافه و بار دیگر مخلوط به مدت ۲ ساعت در کوره و در دمای قبلی می‌گذاریم. این کار به تجزیه مخلوط کمک می‌کند. مخلوط سپس به بشری ۱۵۰ میلی‌لیتری منتقل شده و با مخلوطی از اسیدهای معدنی قوی شامل ۴ میلی‌لیتر اسید کلریدریک ۱۲ مولار و ۱۰ میلی‌لیتر اسید سولفوریک ۱۰٪ ترکیب و دهانه ظرف با شیشه ساعت بسته شد. در ادامه، مخلوط به مدت ۳۰ دقیقه بر روی حرارت قرار داده شد و در این حین ۴ میلی‌لیتر آب اکسیژنه ۳۰٪ اضافه کرده و چند دقیقه بر روی شعله گذاشته شد تا به جوش آید. در انتها نمونه سرد شده و در فلاسک حجم‌سنجی قرار گرفته و با ۵۰ میلی‌لیتر آب مقطر رقیق‌سازی شد.

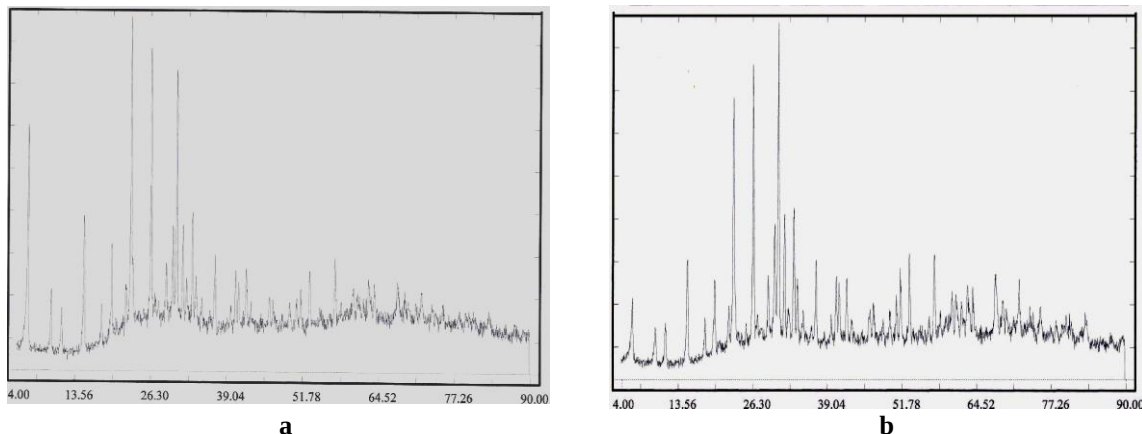
نتایج و بحث

در این نوع زنولیت یعنی زنولیت ۱۳X، مقدار آلومینیوم زیاد است به همین دلیل خاصیت کاتالیزتی آن زیاد است، اما برای افزایش کارایی این ترکیب از روش سنتز فضای محدود برای سنتز کامپوزیت در ساختار زنولیت استفاده شد که در طی آن منگنز دی‌اکسید در ساختار زنولیت جای‌گزین شد.

۱. بررسی مورفولوژی، خواص ذره‌ای و ساختاری کامپوزیت سنتز شده به وسیله SEM، XRD و FTIR

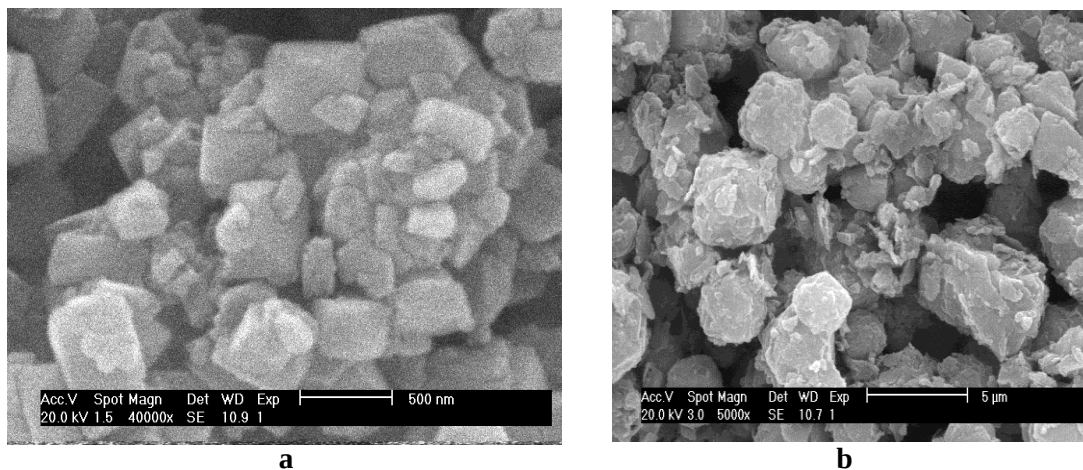
از الگوی XRD برای بررسی خواص ذره‌ای و ساختاری کامپوزیت سنتز شده استفاده شد. ابتدا الگوی پراش اشعه ایکس زنولیت ۱۳X بررسی شد. کامپوزیت سنتز شده $\text{Nano-MnO}_2/\text{Zeolite } 13\text{X}$ با استفاده از الگوی پراش اشعه ایکس، نشان می‌دهد که نانوذرات منگنز دی‌اکسید در منافذ زنولیت ۱۳X تشکیل شده‌اند

(شکل ۴). منبع نور X-ray استفاده شده، در آن تفنگ نشرکننده $Cu\ ka$ و عمل خواندن در زاویه ۴-۹۰ درجه انجام شد. وجود نداشتن هرگونه پیک اضافی در الگوی XRD حاکی از خلوص کامپوزیت سنتز شده است.



شکل ۴. الگوهای XRD (a) $13X$ و (b) $Nano-MnO_2/Zeolite\ 13X$

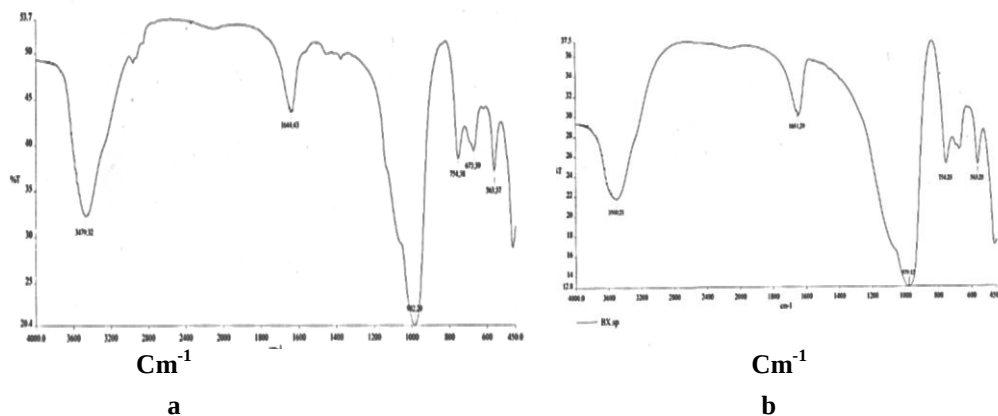
برای بررسی مورفولوژی زنولیت‌ها و کامپوزیت‌ها از میکروسکوپ الکترونی روبشی (SEM) استفاده شد. نمونه‌ها پس از ترکیب با اتانول با طلا پوشش داده و تحت پلاسما قرار گرفت تا خشک شوند، سپس از آن‌ها تصاویر SEM گرفته شد (شکل ۵). چنان‌که در تصاویر دیده می‌شود بر اثر جای‌گزینی نانو اکسید در ساختار زنولیت تغییری در مورفولوژی ایجاد نمی‌شود.



شکل ۵. الگوهای SEM (a) $13X$ و (b) $Nano-MnO_2/Zeolite\ 13X$

طیف‌های FTIR زنولیت $13X$ و کامپوزیت $Nano-MnO_2/Zeolite\ 13X$ در شکل ۶ نشان داده شده‌اند. پیک ظاهر شده در محدوده $990-1000\ cm^{-1}$ مربوط به ارتعاش کششی نامتقارن $T-O$ ($T=Si, Al$) و پیک‌های ظاهر شده در محدوده فرکانسی زیر $990\ cm^{-1}$ تا $500\ cm^{-1}$ مربوط به ارتعاش کششی متقارن $T-O$ است. پیکی که در $466\ cm^{-1}$ ظاهر شده مربوط به ارتعاش خمشی $T-O$ است. در طیف FTIR کامپوزیت $Nano-MnO_2/Zeolite\ 13X$ پیک اضافی به علت وجود منگنز دی اکسید مشاهده نگردید، زیرا مقدار این اکسید در کامپوزیت کمتر از ۱۰ درصد

بوده و در منافذ زنولیت، یک محیط همگن را تشکیل می‌دهد. پیک‌های متعلق به H_2O جذبی تقریباً در حوالی 3479 cm^{-1} و 3479 cm^{-1} ظاهر شده‌اند. پیک ظاهر شده در 3479 cm^{-1} مربوط به ارتعاش کششی O-H و پیک 1634 cm^{-1} مربوط به ارتعاش خمشی H-O-H است [۱۸].

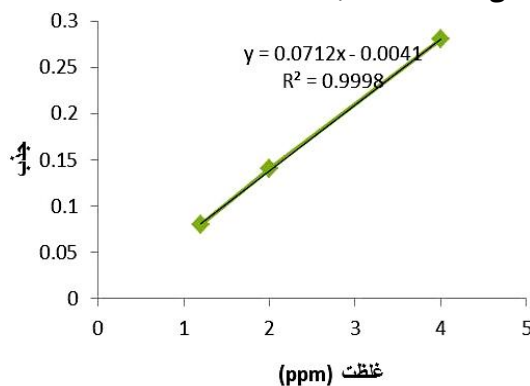


شکل ۶. طیف‌های FT IR (a و b) ۱۳X و Nano-MnO₂/Zeolite 13X

۲. تعیین مقدار عنصر منگنز در کامپوزیت سنتزی با دستگاه طیف‌سنج جذب اتمی (AAS)

برای بررسی میزان عنصر منگنز در کامپوزیت از روش طیف سنجی جذب اتمی (AAS) استفاده شد.

منحنی استاندارد در شکل (۷) نشان داده شده است.



شکل ۷. منحنی استاندارد جذب اتمی عنصر منگنز

با توجه به منحنی استاندارد و به وسیله رقیق کردن نمونه درصد عنصر از رابطه (۱) محاسبه شد:

$$\% \text{ Mn} = R_a / R_{\text{std}} (C_{\text{std}} / W_a) (V_a) (M / F) (D.F) \times 100 \quad (1)$$

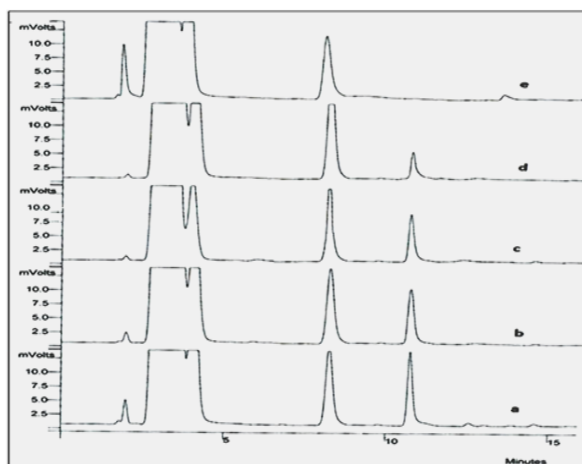
در این معادله، R_a ، رگرسیون تعیین شده با منحنی برای نمونه محلول، R_{std} ، رگرسیون تعیین شده با منحنی برای نمونه استاندارد، C_{std} غلظت محلول استاندارد (ppm)، W_a ، وزن نمونه خشک شده، V_a ، حجم اصلی محلول نمونه استفاده شده (ml)، M ، وزن مولکولی عنصر منگنز در اکسید (g/mol)، F ، وزن فرمولی عنصر منگنز (g/mol) و $D.F$ عامل رقیق‌سازی هستند. برای محاسبه $D.F$ از رابطه (۲) استفاده شد:

$$D.F: V_{\text{ds}} / V_{\text{ad}} \quad (2)$$

در این فرمول، V_{ds} ، حجم محلول رقیق شده و V_{ad} ، حجم کسری گرفته شده برای رقیق‌سازی است. مقدار کامپوزیت ($258/8$ ppm)، درصد وزنی عنصر منگنز حدود $5/6$ محاسبه شد. چنان‌که پیش‌بینی می‌شد، مقدار نانو ذرات سنتز شده در زنولیت کمتر از ۱۰ درصد وزنی بودند. اگر مقدار درصد وزنی اکسید فلزی کمتر از ۱۰ درصد باشد، در اصطلاح گفته می‌شود که این ذرات در منافذ ساختار زنولیتی نشانده شده‌اند که هدف در این پروژه نیز همین است. اگر مقدار نانوذرات از ۱۰ درصد تا ۵۰ درصد وزنی باشند، در این صورت ذرات در کانال‌های زنولیت تلقیح یا کپسوله^۱ می‌شوند که در نتیجه آن اندازه نانو ذرات افزایش یافته و اثر منفی بر روی قدرت کاتالیزتی جاذب خواهد داشت. از طرفی، اگر مقدار درصد وزنی بیش از ۵۰ درصد باشد، در این صورت هم ساختار زنولیت و هم نانو ذرات تخریب خواهند شد و به عبارت دیگر، نانوذرات طبق پیش‌بینی تشکیل نخواهند شد.

۳. بررسی میزان خنثی‌سازی شبه عامل CEES-۲ با کامپوزیت $Nano-MnO_2/Zelite^{13}X$ با روش GC

بررسی واکنش کامپوزیت $Nano-MnO_2/Zelite^{13}X$ با شبه عامل تاول‌زای 2-CEES با روش GC، نشان می‌دهد که این کامپوزیت توانایی زیادی برای جذب و تخریب ۲-کلرو اتیل اتیل سولفید در شرایط محیطی را داراست. کروماتوگرام حاصل از GC مربوط به تخریب شبه عامل ۲-کلرو اتیل اتیل سولفید در حلال هپتان در شکل ۸ ارائه شده است. چنان‌که مشاهده می‌شود به‌مرور زمان سطح زیر پیک شبه عامل کاهش می‌یابد که نشانه تخریب یا جذب آن در مدت ۱۶۸ ساعت با کامپوزیت $Nano-MnO_2/Zelite^{13}X$ است این آزمایش نشان داد که کامپوزیت سنتز شده در زمان ذکر شده تمامی شبه عامل را جذب کرد. در کروماتوگرام پیک تشکیل شده قبل از پیک حلال مربوط به کالیبراسیون دستگاه است.

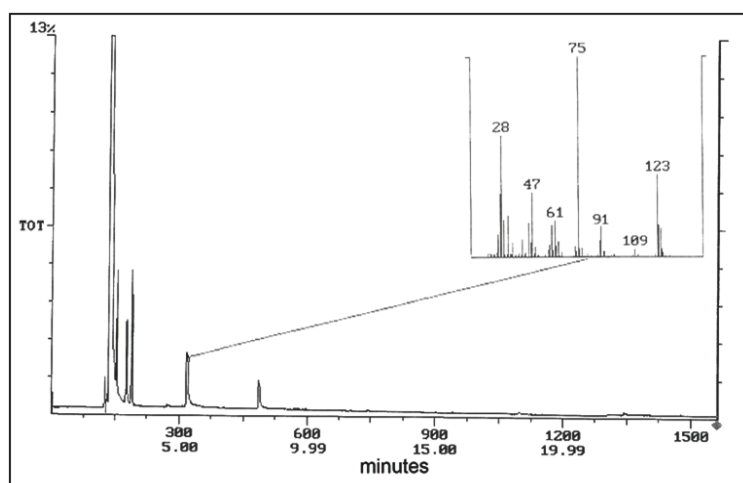


شکل ۸. کروماتوگرام GC واکنش نانوکامپوزیت یا شبه عامل CEES-۲ در حلال هپتان

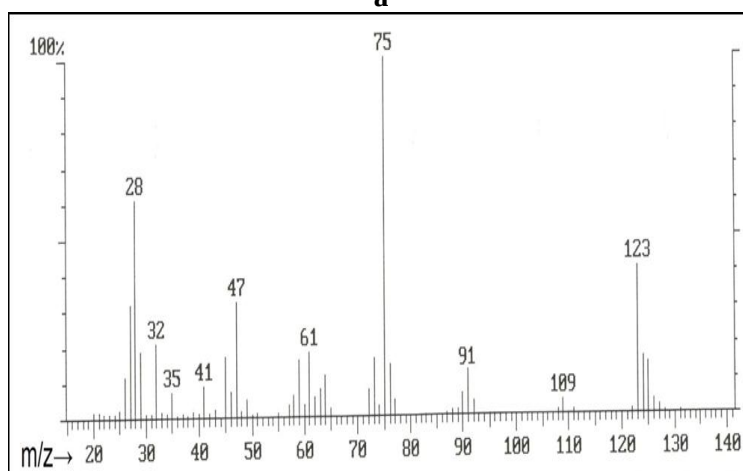
برای شناسایی محصولات تخریب ۲-CEES با کامپوزیت $Nano-MnO_2/Zelite^{13}X$ از بهترین نمونه طیف GC-MS گرفته شد. طیف‌های جرمی و الگوهای شکست شبه عامل و محصولات حاصل از آن در شکل ۹

۱. Capsulated

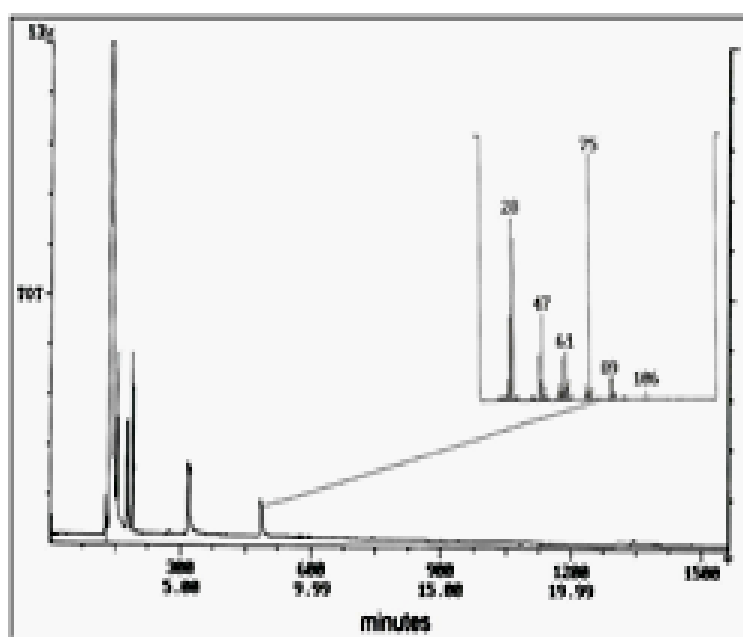
آورده شده است. در اثر حمله نوکلئوفیلی کامپوزیت Nano-MnO_۲/Zeolite ۱۳X به شبه عامل ۲-CEES، بعد از شروع واکنش مقداری از آن جذب کامپوزیت شده و مقداری از آن به محصولات هیدروکسی اتیل اتیل سولفید ($m/z=۱۰۶$) و اتیل وینیل سولفید ($m/z=۸۸$) تبدیل می‌گردد. در این واکنش دو جزء از کامپوزیت سنتزی یعنی Nano-MnO_۲ و زنولیت ۱۳X با شبه عامل وارد واکنش می‌گردند. حمله نانوذرات منگنز دی اکسید به ۲-کلرو اتیل اتیل سولفید علاوه بر جذب آن از طریق برهم کنش اتم گوگرد شبه عامل و سایت‌های اسیدی نانوذرات باعث تخریب ۲-CEES و تشکیل محصول اتیل وینیل سولفید می‌گردد. از طرف دیگر، خود زنولیت ۱۳X هم علاوه بر جذب شبه عامل از طریق برهم کنش اتم گوگرد شبه عامل با سایت‌های اسیدی زنولیت، سبب تخریب شبه عامل و تولید محصول هیدروکسی اتیل اتیل سولفید می‌گردد.



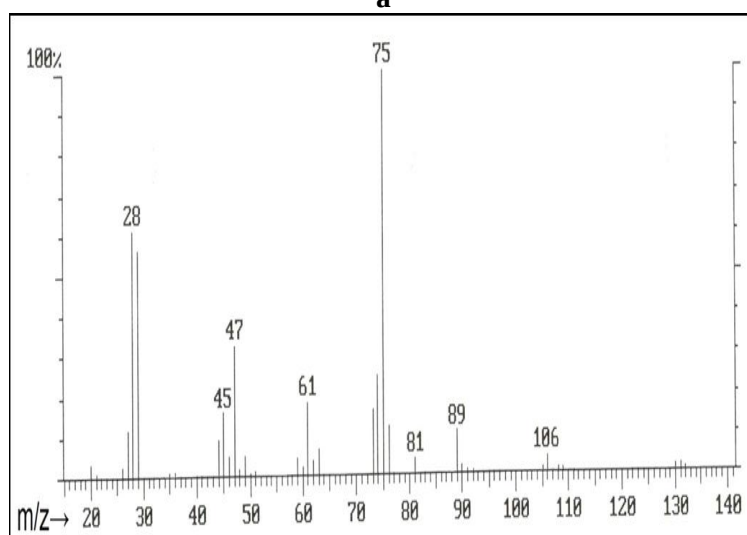
a



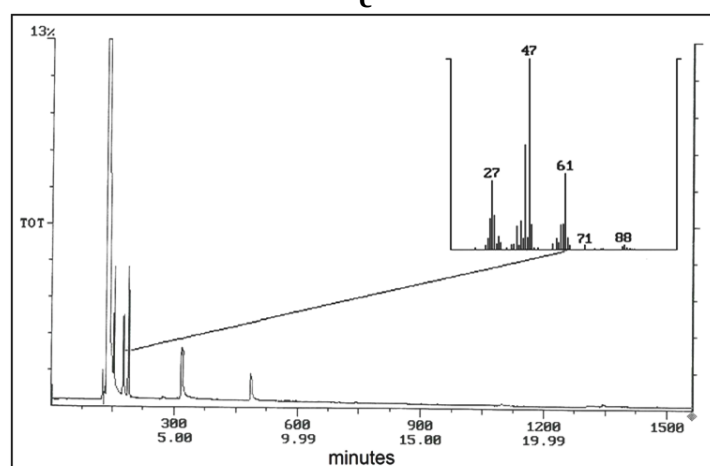
b

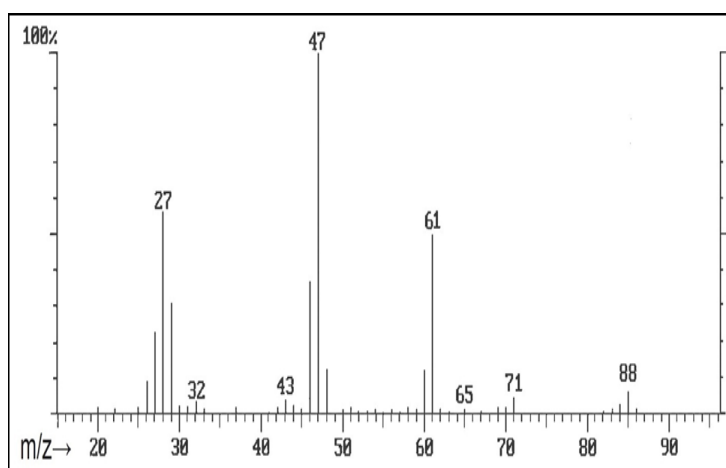


a



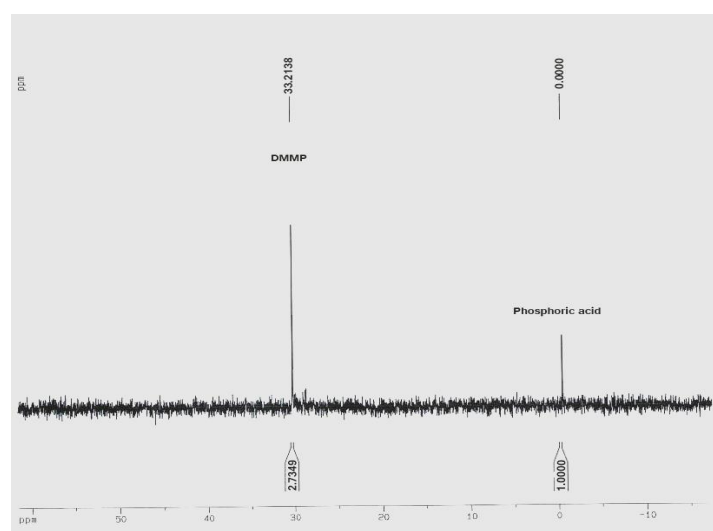
c



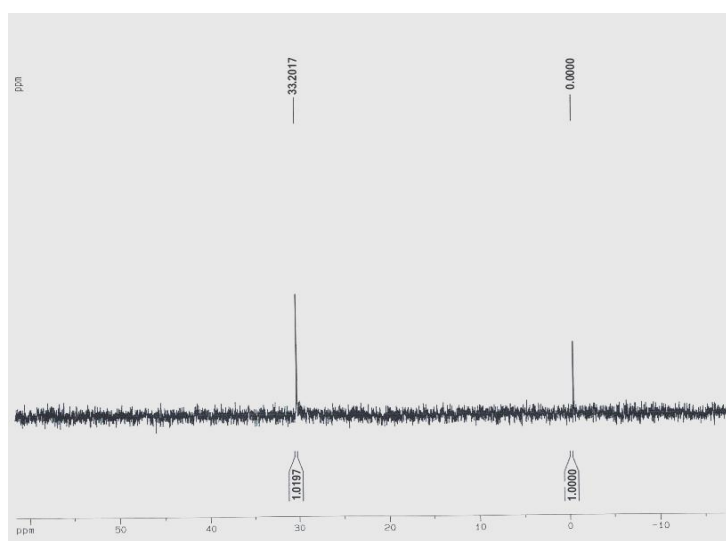


شکل ۹. طیف GC-MS محصولات تخریب شبه عامل CEES-۲
(a) ۲ کلرو اتیل اتیل سولفید، (b) اتیل وینیل سولفید و (c) هیدروکسی اتیل سولفید

۴. بررسی جذب و تخریب شبه عامل عصبی DMMP با استفاده از زنولیت و کامپوزیت سنتز شده
آزمایش جذب شبه عامل ارگانوفسفره DMMP به وسیله زنولیت نشان داد که پس از گذشت ۳۶ ساعت مقدار فراوانی از شبه عامل به وسیله زنولیت جذب میشود به طوری که در این مدت انتگرال زیرپیک از ۲/۷۳۴ به ۱/۰۱۹ نسبت به انتگرال طیف مرجع رسید. این موضوع نشان می‌دهد که نزدیک به ۶۰ درصد شبه عامل در ۲۴ ساعت جذب زنولیت شده است. عدم وجود پیک اضافی نشان می‌دهد که تخریب صورت نگرفته است. طیف‌های ^{31}P NMR این آزمایش در شکل ۱۰ نشان داده شده است.

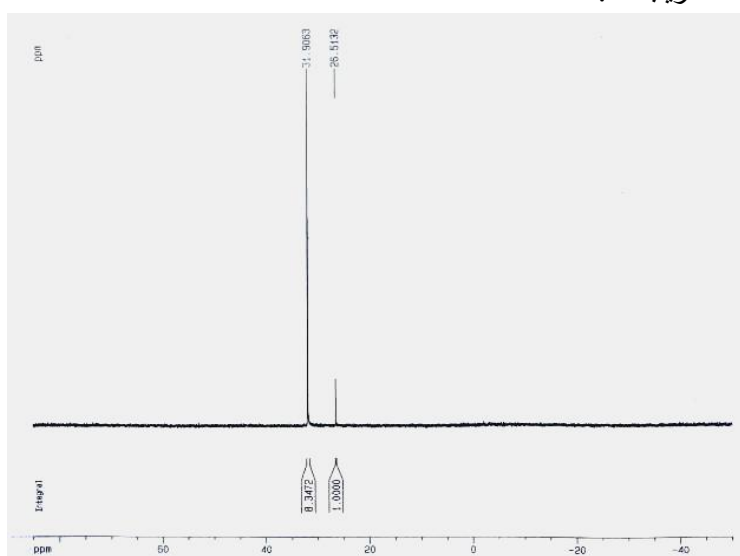


a



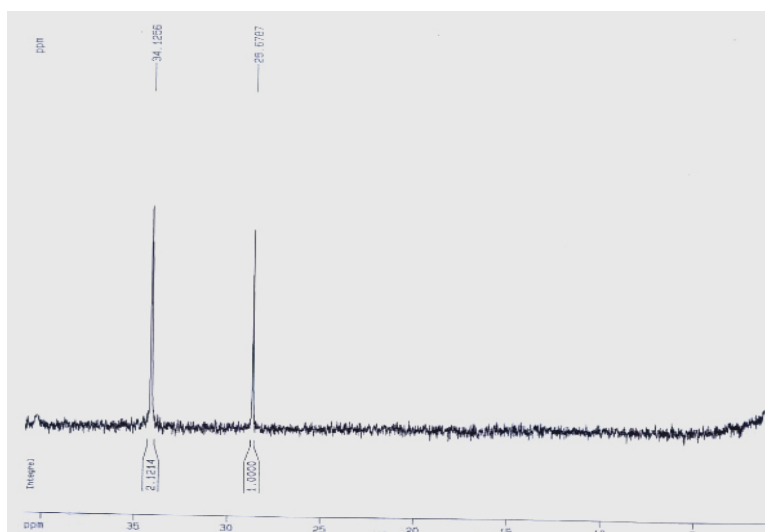
b

شکل ۱۰. طیف ^{31}P NMR شبه عامل DMMP (a) قبل از شروع واکنش، (b) بعد از انجام رفع آلودگی نتایج حاصل از آزمایش جذب و تخریب شبه عامل عصبی با کامپوزیت سنتز شده نشان می‌دهد که پس از گذشت ۲۴ ساعت مقداری از شبه عامل تخریب شده و یک پیک جدید علاوه بر پیک شبه عامل در حوالی ۲۸ppm ظاهر می‌شود که همان پیک محصول است. چنان‌که شکل ۱۱ نشان می‌دهد نزدیک به ۱۱ درصد از شبه عامل در این مدت تخریب شد.



شکل ۱۱. طیف ^{31}P NMR تخریب شبه عامل DMMP

نتایج حاصل از بهینه کردن شرایط آزمایش تخریب شبه عامل عصبی با کامپوزیت سنتز شده نشان می‌دهد که پس از گذشت ۳۶ ساعت مقداری بیش‌تری از شبه عامل تخریب شده و پیک محصول ظاهر می‌شود. چنان‌که شکل ۱۲ نشان می‌دهد نزدیک به ۳۲ درصد از شبه عامل تخریب شد.



شکل ۱۲. طیف ^{31}P NMR تخریب شبه عامل DMMP

نتیجه‌گیری

در این پروژه اولین بار از کامپوزیت $\text{Nano-MnO}_2/\text{Zeolite}^{13}\text{X}$ به‌میزان ۵/۶ درصد وزنی منگنز دی‌اکسید برای جذب و تخریب شبه عوامل خردلی ۲-کلرو اتیل اتیل سولفید و عصبی و دی‌متیل متیل فسفونات استفاده شد. این کامپوزیت قادر است پس از ۱۶۸ ساعت شبه عامل خردلی را به‌طور کامل جذب و به محصولات با سمیت کمتر (هیدروکسی اتیل اتیل سولفید و اتیل وینیل سولفید) تبدیل کند. همچنین شبه عامل عصبی دی‌متیل متیل فسفونات که ترکیبی پایدار است در مدت ۳۶ ساعت جذب و به میزان ۳۲ درصد تخریب می‌شود.

منابع

1. B. Wang, H. Z. Ma, "Synthesis of Nanosized NaY-Zeolite by Confined Space Methods", Chinese Chemical Letters, 13 (2002) 385-388.
2. A. Saxena, A. K. Srivastava, A. Sharma, B. Singh, "Kinetics of adsorption of 2-chloroethyl ethyl sulphide on Al_2O_3 nanoparticles with and without impregnants", J. Hazard. Mater., 169 (2009) 419-427.
3. P. K. Stoimenov, V. Zaikovski, K. J. Klabunde, "Novel Halogen and Interhalogen Adducts of Nanoscale Magnesium Oxide", J. Am. Chem. Soc., 125 (2003) 12907-12913.

4. K. J. Klabunde, J. Stake, O. Koper, C. Mohs, D. G. Park, S. Decker, Y. Jiang, I. Lagadic, D. Zhang, "Nanocrystals as Stoichiometric Reagents with Unique Surface Chemistry", *J.Phys.Chem.*, 100 (1996) 12142-12153.
5. M. E. Martin, R. M. Narske, K. J. Klabunde, "Mesoporous Metal Oxides Formed by Aggregation of Nanocrystals. Behavior of Aluminum Oxide and Mixtures with Magnesium Oxide in Destructive Adsorption of the Chemical Warfare Surrogate 2-Chloroethyl Ethyl Sulfide", *Microporous and Mesoporous Materials*, 83 (2005) 47-50.
6. G. W. Wagner, P. W. Bartram, "Reactions of VX, HD, and Their Simulants with NaY and AgY Zeolites. Desulfurization of VX on AgY", *Langmuir*, 15 (1999) 8113-8118.
7. M. B. Mitchell, V. N. Sheinker, E. N. G. Tesfamichael, M. Nunley, "Decomposition of Dimethyl Methylphosphonate (DMMP) on Supported Cerium and Iron Co-Impregnated Oxides at Room Temperature", *J.Phys.Chem.B*, 107(2003) 580-586.
8. O. Koper, K. J. Klabunde, L. S. Martin, K. B. Knappenberger, L. L. Hladky, S.P.Decker, "Reactive Nanoparticles as Destructive Adsorbents for Biological and Chemical Contamination", *US.Pat.No.20080102136 A1*(2008).
9. O. Koper, K. J. Klabunde, L. S. Martin, K. B. Knappenberger, L. L. Hladky, S.P.Decker, "Method for Biological and Chemical Contamination", *US.Pat.No. 7335808 B2* (2008).
10. S. W. Yang, D. C. Doetschman, J. T. Schulte, J. B. Sambur, W. Charles, "Sodium X-type faujasite Zeolite decomposition of DMMP to methylphosphonate Nucleophilic Zeolite reactions", *Microporous and Mesoporous Materials*, 92 (2006) 56-60.
11. G. W. Wagner, O. B. Koper, E. Lucas, S. Decker, K. J. Klabunde, Reactions of VC, GC, and HD with Nanosize CaO: Autocatalytic Dehydrohalogenation of HD", *J. Phys. Chem. B* 107 (2000) 5118-5123.
12. O. Koper, K. J. Klabunde, L. S. Martin, K. B. Knappenberger, L. L. Hladky, and S. P. Decker, "Reactive nanoparticles as destructive adsorbents for biological and chemical contamination", *US. Pat. No. 20020035032 A1* (2002).

13. <http://en.wikipedia.org/w/DMMP> (accessed: 24 September)
14. J. V. Smith, "Atlas of Zeolite" Adv. Chem. Ser. 21(1973).
15. S. O. Kim, E. D. Park, E. Y. Ko, "Zeolite and Sorbent for Desulfurization and Method of Preparing the Same", US. Pat.No. 20060162557 A1 (2006).
16. C. h. Bärlocher, W. M. Meier, D. H. Olson, "Atlas of Zeolite Framework Types", Rev. Ed. Elsevier, Amsterdam (2001).
17. T. T. Zhuang, J. H. Xu, J. R. Xia, "New Development in Nanoporous Composites: Novel Functional Materials for Capturing Nitrosamines in Airstreams", J. anomaterials (2006) 1-9.
18. C. Alberto, J. Andrew, "A NaY-Zeolite Synthesized from Colombian Industrial Coal by Products: Potential Catalytic Application", Catalysis Today, 190(1) (2012) 61-67.